



اعراض از مالکیت به چه معنا است و چه آثاری دارد؟

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد،

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون است؛ مهم‌ترین اثر این آشنایی و آگاهی را می‌توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع آراض از مالکیت را بررسی کنیم.

انسانها در زندگی فردی و اجتماعی خود دارای حقوق بسیاری هستند که برخی از این حقوق، طبیعی بوده و برخی دیگر را قانون به آنها اعطا می‌کند. حق حیات از مهم‌ترین حقوق طبیعی انسانهاست که بهره‌مند بودن یا نبودن از آن، هیچ ارتباطی به وضع قوانین ندارد، بلکه انسانها به‌طور طبیعی حق حیات دارند و نمی‌توان این حق را از آنها گرفت.

یکی دیگر از این حقوق پراهمیت، حق مالکیت است اما حق مالکیت را نمی‌توان حقی طبیعی دانست. در نتیجه انسانها نمی‌توانند به صرف وجود تمایل، مالک هر چیزی شوند که به داشتن آن تمایل دارند. در واقع برای اینکه اشخاص بتوانند مالک اموال بشوند، باید یکی از عوامل یا اسبابی که قانونگذار در قانون ذکر کرده است، وجود داشته باشد. برخی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند حق مالکیت را به وجود آورد، ارث و قرارداد است.

انسانها به‌گاه صورت غیرارادی و از طریق قراردادهایی همچون خرید و فروش یا غیر از آن و گاهی هم به صورت غیرارادی و از طریق رابطه‌ی توارث که میان آنها و دیگران وجود دارد، مالک اموال می‌شوند. با ایجاد رابطه‌ی مالکیت انسانها گسترده‌ترین تسلط را بر اموال پیدا می‌کنند؛ به گونه‌ای که می‌توانند به هر نحوی که می‌خواهند از آن بهره‌برداری کنند.

برای مثال در صورت تمایل آن را به رایگان یا معوض (غیررایگان) به اشخاص دیگر واگذار کنند. همچنین در صورت تسلط افراد دیگر بر آن، وی را تحت تعقیب قرار دهند. هرچند نمی‌توان این را نادیده گرفت که استفاده از حق مالکیت نمی‌تواند به نحوی صورت بگیرد که به افراد دیگر ضرر وارد کند که در این صورت نه با استفاده از حق مالکیت، بلکه با سوءاستفاده از این حق مواجه خواهیم بود.

حق مالکیت همانگونه که از طریق وجود عواملی به وجود می‌آید، به همان نحو نیز از طریق برخی عوامل دیگر از بین می‌رود. از بین رفتن حق مالکیت گاه ارادی و گاه غیرارادی است. برای مثال به محض خاتمه‌ی حیات انسان، اموال وی از مالکیت او خارج می‌شود و به بازماندگان او می‌رسد. این موضوع هیچ ارتباطی به اراده‌ی او ندارد اما گاه انسان با اراده، اموال خود را به دیگران می‌فروشد یا اینکه آنها را وقف می‌کند؛ در این حالات نیز مالکیت او از بین می‌رود. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند بر مبنای اراده‌ی انسانها، اموال را از مالکیت آنها خارج کند، اعراض است. در این نوشتار به بررسی اعراض از مالکیت و آثار و شرایط آن خواهیم پرداخت.

اعراض از مالکیت به چه معنا است

اعراض از لحاظ لغوی به معنای روی گردانیدن و رها کردن است و در اصطلاح حقوقی به حالتی گفته می‌شود که شخص، از مالکیت خود نسبت به اموالش صرف‌نظر می‌کند و به عبارت بهتر از اموال خود روی می‌گرداند. در اعراض شخصی که از مالکیت نسبت به اموال خود روی می‌گرداند، قصد ندارد که مالکیت آن را به اشخاص دیگر انتقال دهد، بلکه فقط می‌خواهد که پس از اعراض، دیگر نسبت به این مال، مالکیت نداشته باشد.

علاوه و ZWNJ؛ براین، اعراض از عوامل و اسبابی است که به ZWNJ؛ شکل ارادی مالکیت اشخاص را نسبت و ZWNJ؛ به اموال از بین می و ZWNJ؛ برد و باید کاملا ارادی و با قصد اسقاط مالکیت واقع شود. اگر شخص صرفا به ZWNJ؛ خاطر کهنگی یا بی و ZWNJ؛ مصرفی یک مال از استفاده و ZWNJ؛ ی آن چشم و ZWNJ؛ پوشی کند، نمی و ZWNJ؛ توان گفت که او از مالکیتی که نسبت و ZWNJ؛ به اموال خود داشته، اعراض کرده و ZWNJ؛ است، زیرا اعراض باعث می و ZWNJ؛ شود که مالکیت افراد نسبت و ZWNJ؛ به اموالی که دارند از بین برود و به همین خاطر باید مالک به ZWNJ؛ طور صریح قصد داشته باشد که دیگر نسبت به اموال خود مالکیت نداشته باشد و نه اینکه نخواهد از آنها به دلایل مختلف استفاده کند.

البته در برخی موارد، نیازی به وجود این قصد نیست و شرایط یا اقداماتی که شخص انجام می و ZWNJ؛ دهد به نحوی است که می و ZWNJ؛ توان عرفا این موارد را هم از موارد اعراض از مالکیت محسوب نمود. از این و ZWNJ؛ رو، در خصوص احراز این موضوع که آیا مالک از اموال خود اعراض کرده است یا خیر، باید به قضاوت عرف نیز توجه نمود. برای مثال اگر اموال یک شخص به سرقت رود و او از پیدا شدن این اموال ناامید گردد، نمی و ZWNJ؛ توان گفت که او از اموال خود اعراض نموده و ZWNJ؛ است. همچنین به صرف اینکه شخص بخواهد به دیگران اجازه دهد که از اموال او استفاده کنند، اعراض تحقق پیدا نمی و ZWNJ؛ کند.

مثالی درباره و ZWNJ؛ ی اعراض از مالکیت

خانواده و ZWNJ؛ ی ثروتمندی با قصد تعویض میل و ZWNJ؛ های کهنه و ZWNJ؛ ی خود، آنها را در کوچه می و ZWNJ؛ گذارند بدون اینکه برایشان اهمیت داشته باشد شخص دیگری پس از آن، مالک این میل و ZWNJ؛ ها خواهد بود یا خیر. در این حالت مالکیت این خانواده نسبت به این میل و ZWNJ؛ ها از بین خواهد رفت و این میل و ZWNJ؛ ها تبدیل به اموال بدون مالک می و ZWNJ؛ شود که اشخاص دیگر می و ZWNJ؛ توانند آنها را به مالکیت خود درآورند. در همین مثال اگر این خانواده به علت کهنه شدن میل و ZWNJ؛ ها از استفاده و ZWNJ؛ ی آنها چشم و ZWNJ؛ پوشی کنند و آنها را در انبار یا گوشه و ZWNJ؛ ی حیاط خانه قرار دهند نمی و ZWNJ؛ توان گفت که از این میل و ZWNJ؛ ها اعراض کرده و ZWNJ؛ اند چون قصد اعراض ندارند. به همین علت هیچ شخصی نمی و ZWNJ؛ تواند این میل و ZWNJ؛ ها را از انبار یا گوشه و ZWNJ؛ ی حیاط بردارد و مورداستفاده و ZWNJ؛ ی خود قرار دهد.

در اثر اعراض، مالکیت شخص نسبت به اموال خود ساقط می و ZWNJ؛ شود و از آن پس مال تبدیل به مال مباح و بلا و ZWNJ؛ مالک می و ZWNJ؛ شود. مباح و بلا مالک شدن مالک این حق را برای دیگران به وجود می و ZWNJ؛ آورد که بتوانند این مال را به مالکیت خود درآورند. در این حالت اعراض و ZWNJ؛ کننده دیگر نمی و ZWNJ؛ تواند این شخص را وادار کند که مال را به او برگرداند زیرا با اعراض، مالکیت او نسبت به این مال از بین می و ZWNJ؛ رود و دیگر هیچ حقی نسبت به آن ندارد.

شرایط اعراض از مالکیت

همان و ZWNJ؛ طور که پیش و ZWNJ؛ تر هم گفتیم، این حق مالکیت است که به اشخاص اختیار می و ZWNJ؛ دهد تا مالکیتی را که نسبت به اموال خود دارند رها کنند اما باید توجه داشت که روی و ZWNJ؛ گردانی از اموال بی و ZWNJ؛ ضابطه و بی و ZWNJ؛ قاعده نیست بلکه شرایطی دارد و حتی گاهی قانونگذار در برخی موارد اعراض را به رسمیت نمی و ZWNJ؛ شناسد. برخی از شرایطی که برای تحقق اعراض باید رعایت شود، به شرح زیر است:

۱. به و ZWNJ؛ طور قانونی منعی برای اعراض وجود نداشته و ZWNJ؛ باشد

برای نمونه طبق قانون ثبت، در خصوص املاک ثبت و ZWNJ؛ شده قانون شخصی را به عنوان مالک به رسمیت می و ZWNJ؛ شناسد که در دفتر املاک، ملک به نام او ثبت شده و ZWNJ؛ است. بنابراین چنین شخصی نمی و ZWNJ؛ تواند از طریق اعراض مالکیت خود را نسبت به این اموال رها کند و در صورت روی و ZWNJ؛ گردانی و انصراف او از مالکیت نیز، رابطه و ZWNJ؛ ی مالکیت از بین نمی و ZWNJ؛ رود و هیچ و ZWNJ؛ کس نمی و ZWNJ؛ تواند با استناد به این اعراض در پی آن باشد که این ملک را به مالکیت خود درآورد.

۲. اگر در یک مال شخص دیگری نیز دارای حقی باشد، مالک نمی و ZWNJ؛ تواند از آن اعراض کند

برای مثال اگر یک نفر مال خود را به رهن بانک بگذارد، به $zwnj\&$ خاطر حقی که برای بانک در خصوص این مال به وجود می $zwnj\&$ آید، مالک نمی $zwnj\&$ تواند از طریق اعراض، مالکیت خود را نسبت به آن مال از بین ببرد زیرا در این صورت رابطه $zwnj\&$ مالکیت او با این مال قطع می $zwnj\&$ شود و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار آن مالک خواهد بود و در نتیجه بانک متضرر می $zwnj\&$ شود.

۳. مالک باید از تمامی کارهایی که نشان $zwnj\&$ دهنده $zwnj\&$ تصرفات مالکانه است اجتناب کند

به $zwnj\&$ عبارت بهتر مالک باید کارهایی را انجام بدهد که صراحتاً نشان $zwnj\&$ دهنده $zwnj\&$ قصد او در خصوص اعراض باشد یا اقدامات او به $zwnj\&$ نحوی باشد که به $zwnj\&$ طور متعارف این $zwnj\&$ گونه بتوان برداشت کرد که مالکیت خود نسبت به این مال را رها نموده $zwnj\&$ است.